

تحلیل علل جمعیت‌پذیری روستاهای حریم مادرشهرها با استفاده از تحلیل عاملی (مطالعه موردی: قلعه خیابان مشهد)

مریم شریفی*^۱ - جعفر جوان^۲ - حمید شایان^۳ - محمدرحیم رهنما^۴

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۴- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۳/۰۳

صص ۲۸-۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۲۰

چکیده

هدف: جهان در حال تحول است و عرصه‌های روستایی نیز از این اصل مستثنا نیستند. یکی از جنبه‌های تحول در روستاها، تغییر در ساختار جمعیتی و جمعیت‌پذیری روستاهای پیرامون مراکز شهری بزرگ، کلان‌شهرها و مادرشهرهای منطقه‌ای است. با توجه به این‌که روستاهای پیرامونی، به‌عنوان عرصه‌ای تکمیلی، در نهایت به محدوده شهر می‌پیوندند، علل جمعیت‌پذیری و ماندگاری جمعیت آن‌ها، برای برنامه‌ریزی و کنترل تغییرات صورت گرفته، ضروری می‌باشد. تحقیق حاضر با هدف بررسی علل جمعیت‌پذیری روستای قلعه خیابان -شهرک باهنر- در حریم کلان‌شهر مشهد انجام گردید.

روش: روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات به‌صورت میدانی و اسنادی صورت گرفته است. به‌منظور تحلیل داده‌های پرسشنامه‌ای از نرم‌افزار SPSS و به‌منظور ترسیم نقشه از ARC GIS استفاده گردید. در تحقیق حاضر نظر ۱۴۹ سرپرست خانوار مهاجر به قلعه خیابان در مورد ۲۷ علت شناسایی شده جمعیت‌پذیری قلعه خیابان موردبررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در روش تحلیل عاملی از ترکیب ۲۷ متغیر اولیه، هشت عامل شناسایی شده که ۸۹٫۶۸ درصد از واریانس علل جمعیت‌پذیری قلعه خیابان را تفسیر می‌کند. از بین هشت عامل شناسایی شده، اولین و مهم‌ترین عامل «مسکن ارزان قیمت در حد استطاعت» بوده که حدود ۲۱٫۲۴ درصد از واریانس را تبیین می‌نماید. این امر نشانگر اهمیت عامل اول نسبت به عامل‌های بعدی است. عامل دوم و سوم به ترتیب مربوط به «مسائل اقتصادی و اشتغال» با ۱۸٫۶ و عامل «موقعیت مکانی و دسترسی» با ۱۴٫۶ درصد کل واریانس است.

محدودیت‌ها/راهبردها: عمده‌ترین محدودیت تحقیق فقدان آمار و اطلاعات در مورد هسته‌های جمعیتی پیراشهری است.

راهکارهای عملی: روستاهای واقع نواحی پیراشهری نسبتاً به عنوان فضاهای در حال گذار، بیشترین زمینه‌های اثرپذیری و اثرگذاری بر شهر را دارند. لذا شناسایی علل جمعیت‌پذیری آن‌ها می‌تواند در جهت ساماندهی این فضاهای سکونتی مؤثر واقع گردد.

اصالت و ارزش: نوآوری مقاله در بررسی انگیزه مهاجرین به سکونتگاه‌های پیراشهری در چند عامل کلی تر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جمعیت‌پذیری، روستاهای حریم، مادرشهر مشهد، روش تحلیل عاملی.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

عوامل مختلف درونی و بیرونی، پیوسته ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستاها را تحت تأثیر قرار داده و بسته به ویژگی‌های روستا، تغییرات کیفی و کمی در آن‌ها را سبب می‌شوند؛ که می‌تواند تأثیرات مثبت و منفی در خود سکونتگاه و پیرامون آن را به دنبال داشته باشد. موقعیت مکانی روستا و به ویژه مجاورت آن با مراکز شهری بزرگ در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تغییرات ساختاری و عملکردی روستاها محسوب می‌شود.

مادرشهرها به جهت برخورداری از افزایش روزافزون جمعیت و نیز تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی، همواره دگرگونی‌ها و تغییرات عمده‌ای را به نواحی پیرامونی خود تحمیل می‌کنند (ظاهری، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۱). روابط و مناسبات حاکم بین مادرشهرها و مناطق پیرامونی عمدتاً از ماهیتی نابرابر و سلطه آمیز برخوردار است. این تحولات در سازمان فضایی، اندازه و مرتبه سکونتگاه‌ها، شهری شدن چشم‌انداز روستایی، تغییر در اقتصاد پایه، تغییر کاربری اراضی، تغییر در تعداد و ترکیب جمعیت و فعالیت از مهم‌ترین آن‌ها بوده که در نتیجه دگرگونی ساختار اجتماعی - اقتصادی و کالبدی فضاهای پیرامونی را فراهم می‌سازند (مهدوی وفا، ۱۳۸۶، ص. ۲). بدیهی است رشد جمعیت شهری به‌ویژه در مادرشهرها سبب افزایش متقاضیان مسکن شده و این امر عواقبی از جمله افزایش چندین برابری قیمت زمین و مسکن در محدوده شهر و بورس‌بازی و زمین‌خواری و گسترش حاشیه شهر را در پی دارد؛ ادامه این روند باعث جذب جمعیت مهاجر به روستاهای دارای مزیت نسبی پیرامون مادرشهر، جهت تأمین مسکن ارزان‌تر و نیز دسترسی آسان‌تر به شهر و خدمات آن خواهد شد که خود زمینه‌ساز تورم جمعیتی و تغییر در ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت در این روستاها می‌گردد.

توسعه فضاهای شهری و افزایش تعامل میان شهر و روستا در سال‌های اخیر تأثیراتی در نواحی پیرامون شهرها به ویژه نواحی روستایی بر جای نهاده است از جمله: کاهش اراضی زیر کشت و کاهش فعالیت‌های کشاورزی، تغییر کاربری زمین‌ها، افزایش قیمت زمین در نواحی روستایی پیرامون شهرها، ترویج الگوهای مصرف شهری در روستاهای حاشیه (طاهرخانی و همکاران، ۱۳۸۳، ص. ۱۳) و تغییرات در ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت آن روستاها.

مشهد پس از تهران، بزرگ‌ترین مادرشهر کشور و بالاترین رشد شهرنشینی را در چند سال اخیر تجربه کرده است. بخش عمده این رشد به حاشیه اختصاص دارد که جمعیتی بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر را در ۶۰ هسته جمعیتی (شهر، روستا و...) در اطراف شهر شامل می‌شود؛ به‌نحوی که مناطق حاشیه‌نشین این شهر کانون کمبودها، نارضایتی‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و مسائل ضد امنیتی شده است (هادیزاده، ۱۳۸۴، ص. ۸). شواهد نشان می‌دهد که افزایش جمعیت و به‌تبع آن توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ شهر، اغلب بدون کنترل و برنامه‌ریزی صورت گرفته و از سوی دیگر مهاجرپذیری تعداد قابل ملاحظه‌ای از روستاهای حوزه نفوذ شهر و عدم وجود مرجع و نهاد مشخص نه تنها باعث توسعه کالبدی نامتوازن آن‌ها شده، بلکه در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و زیست‌محیطی نیز مشکلات و نابسامانی‌های فراوانی را پدید آورده‌اند. وابستگی این مراکز جمعیتی به شهر مشهد، این کانون‌ها را از انسجام و پویایی محروم ساخته و به‌رغم دارا بودن آستانه‌های جمعیتی بالا، بسیاری از آن‌ها را به مراکز خوابگاهی گروه‌های کم‌درآمد تبدیل کرده است (سیدی، ۱۳۸۳، ص. ۴).

بر اساس مطالعات اکتشافی صورت گرفته، از کل جمعیت ۴۱۶۶۳۵ نفری روستانشین شهرستان مشهد در سال ۱۳۸۵، حدود ۷۰٪ در فاصله‌ای کمتر از ده کیلومتر از شهر مشهد ساکن‌اند که رشد جمعیت سالیانه بیش از ۳٪ را در دهه ۸۵-۷۵ تجربه کرده‌اند، با این رشد، جمعیت ۲۹۲ هزار نفری آن‌ها در سال ۱۴۰۰ دو برابر خواهد شد و این روستاها در پیرامون مشهد روزبه‌روز متورم‌تر خواهند گردید و با ادغام نسبی در شهر مشهد از جانب شمال غرب و شمال شرق سیمای کالبدی، اجتماعی و فرهنگی آن را ناهنجارتر از پیش کرده و بر حجم مسائل شهری مشهد خواهند افزود؛ بنابراین روستاهای واقع در این محدوده به نسبت ویژگی‌های خاص خود به‌عنوان فضاهای در حال گذار، بیشترین زمینه‌های اثرپذیری و اثرگذاری بر شهر را دارند. روند گسترش محدوده‌های حاشیه‌نشین شهری در اثر توسعه بی‌برنامه این روستاها که از دهه‌های اخیر جریان داشته، علاوه بر رشد افقی شهر و مشکلات مرتبط با آن، معضلات فراوان ساختاری و کارکردی بر حوزه‌های روستایی پیرامون تحمیل کرده و در آینده احتمال تکرار چنین شرایطی برای برخی دیگر از آن‌ها نیز وجود دارد. از این‌رو بررسی موردی علل جذب جمعیت به سکونتگاه‌های پیرامونی، جهت ارائه راهکارهایی برای کنترل و برنامه‌ریزی رشد جمعیت که با تغییرات اجتماعی-اقتصادی و کالبدی رابطه‌ای دوسویه دارد، ضروری می‌باشد.

مطالعه، بررسی انگیزه مهاجرین از سکونت در این منطقه، به‌عنوان یکی از جوانب مسئله‌ی رشد غده‌ای سکونتگاه‌های با منشأ روستایی در حریم مادرشهر مشهد می‌باشد.

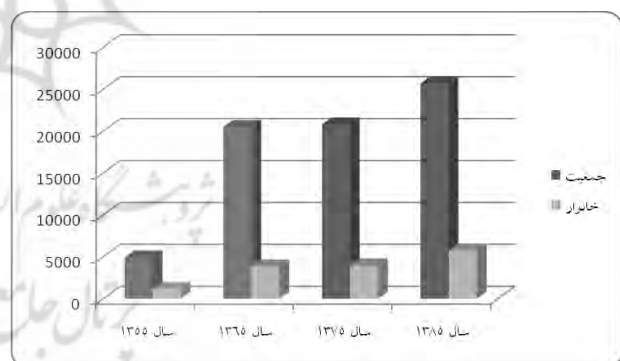
۳.۱. پیشینه تحقیق

روستاهای حریم شهرها به‌طور عمده از حدود دهه ۱۹۵۰ میلادی و به دنبال مهاجرت فزاینده به شهرهای بزرگ، بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. این روستاها بر اساس موقعیت و ویژگی‌های درونی و عوامل بیرونی مؤثر بر آن‌ها، کارکردهای متفاوت تولیدی، صنعتی، توریستی-تفریحی و سکونتی-خوابگاهی را پذیرفته و جمعیت‌هایی با اهداف و خصوصیات متنوع را جذب نموده‌اند. پیدایش تحولات در روستاهای پیرامونی، محققین را به انجام پژوهش در جوانب مختلف آن ترغیب کرده است. بررسی جریان در حال افزایش مردم، کالاهای، ارتباطات، امکانات فراغتی و زیربنای اقتصادی و اجتماعی بین کلان‌شهر و روستاهای پیرامونی تبدیل شده به شهر، ضمن حفظ ساختارهای کشاورزی اطراف آن‌ها، در ژاپن (برایانت، روس وورم و مک‌کلان، ۱، ۱۹۸۲) مطالعه رشد سریع جمعیت شهر جاکارتا و توزیع جمعیت به‌خصوص مهاجران فقیر در روستاهای حومه شهر به دنبال توسعه سیستم حمل‌ونقل عمومی و بهبود دسترسی به حاشیه شهر (هوتابارات، ۲، ۲۰۰۰)؛ نقد پدیده شهری شدن روستا و تأثیر آن در تغییر کالبدی، اقتصادی و اجتماعی روستاها در اروپای غربی (آنتروپ، ۳، ۲۰۰۰)؛ بررسی روند فزاینده شهرگرایی و رشد جمعیت روستاهای پیرامونی در کلان‌شهرهای امریکا (میشل، ۴، ۲۰۰۴)؛ تحقیق پیرامون انتقال جمعیت از مراکز شهری به روستاها و بررسی جغرافیایی خصوصیات اجتماعی و اقتصادی مبدأ و مقصد مهاجرین در دهه‌های پایانی قرن بیستم در ولز (والفورد، ۵، ۲۰۰۷)؛ سکونت-گزینی طبقه متوسط و مرفه در روستاهای حومه شهر کبک در کانادا و علل و اثرات این پدیده در روستاها (گیوموند و سیمارد، ۶، ۲۰۱۰) نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده در مورد روستاهای پیرامون کلان‌شهرها و مادرشهرها و تغییرات ساختاری و به‌خصوص جمعیتی آن‌ها در جهان می‌باشد.

در ایران، تحقیقات در این زمینه به‌طور عمده از دهه ۱۳۶۰ مورد توجه قرار گرفت؛ البته در بررسی روستاهای حریم شهرها، توجه بیشتر به تغییرات کاربری اراضی کشاورزی و تحولات کالبدی این روستاها معطوف بوده است.

رهنمایی (۱۳۶۹)، به تبیین نقش عوامل جغرافیایی در گسترش تهران و اثرات این توسعه بر تحولات کالبدی نواحی روستایی پرداخته و نتایج حاکی از آن است که شبکه وسیعی از روستاها در پیرامون شهر به روستا-شهرهای بزرگی تغییر شکل داده و ضمن در

طی دهه‌های اخیر برخی از روستاهای حاشیه مشهد که عمدتاً در مجاورت محورهای اصلی منتهی به شهر قرار دارند، با جذب جمعیت زیاد، اگرچه به لحاظ اجتماعی و فرهنگی خصوصیات روستا را دارا می‌باشند، از جهات اقتصادی و فیزیکی دگرگونی فراوانی را به همراه داشته و در مواردی به آن‌ها روستا شهر، شهرک و هسته‌های جمعیتی اطلاق می‌گردد. بدیهی است روستاهای نزدیک‌تر به مشهد، در نتیجه کارکرد و عملکرد شهری و روستایی، به تدریج به محدوده خدماتی پیوسته‌اند؛ که از آن جمله می‌توان شهرک تیمور، گلشهر و شهرک شهید رجایی (قلعه ساختمان) را نام برد. بعضی از این سکونتگاه‌ها، مانند «قلعه خیابان»، با وجودی که از بعد جمعیتی توانایی تبدیل شدن به شهر را دارا هستند، اما به لحاظ محدودیت‌های قانونی (ازجمله، قرارگیری در حریم شهر مشهد) این امر میسر نبوده و لذا پس از سال‌ها عدم نظارت و مدیریت واحد و مؤثر و ناکارآمدی و فروپاشی نهادهای مدیریتی روستایی، افزایش بی‌رویه جمعیت و معضلات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی متعدد، الحاق آن به شهر مشهد، به‌طور رسمی انجام شده است. بررسی تغییرات قابل‌توجه جمعیت قلعه خیابان نشان می‌دهد، تعداد جمعیت آن از ۴۸۹۴ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۱۶۶۱ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است (شکل ۱).



شکل ۱- تغییرات تعداد جمعیت و خانوار قلعه خیابان طی

دوره ۵۵-۸۵

(مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس مسکن. مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان مشهد)

باوجوداین، تغییرات جمعیت و تفاوت قابل‌ملاحظه آن در مقایسه با سایر روستاهای حریم شهر مشهد و در نظر داشتن ویژگی‌های منفی منطقه (ازجمله رواج بزهکاری و معضلات اجتماعی، کیفیت نازل بافت کالبدی و...) که می‌توانند دافع جمعیت باشند؛ این سؤال مطرح می‌شود که: چه عواملی در انتخاب قلعه خیابان برای سکونت نقش داشته‌اند؟ و در این رابطه، هریک از عوامل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی چه سهمی را دارا می‌باشند؟ بر این اساس، هدف این

جمعیت به این مناطق بوده و اکثر مهاجرین را طبقات متوسط و مرفه جامعه تشکیل می‌دهند. در این کشورها علی‌رغم تغییرات صورت گرفته در پی افزایش مهاجرت به روستا، برنامه‌ریزی‌هایی در جهت حفظ چشم‌انداز و کارکرد تولیدی و صنعتی روستاها انجام شده است. این در حالی است که در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، مهاجران روستاهای پیرامون مادرشهرها را عمدتاً اقشار پایین جامعه تشکیل می‌دهند که به امید دستیابی به شغل و درآمد و امکانات مادرشهر، به دنبال مسکن ارزان‌قیمت در روستاهای با امکان دسترسی مناسب در نزدیکی شهر هستند؛ همچنین میزان جذب و نگهداشت جمعیت در این روستاها بسته به ویژگی‌های درونی و شرایط بیرونی آن‌ها، متفاوت است.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۲.۱. قلمرو جغرافیایی تحقیق

محدوده مطالعه این پژوهش شهرک شهید باهنر، در مختصات ۲۳°۳۶′۲۵″ شمالی و ۴۲°۵۹′۴۳″ طول شرقی، در شرق شهر مشهد می‌باشد. این سکونتگاه که هم‌اکنون با وسعت ۱۵۲ هکتار، هسته جمعیتی منفصل (با فاصله کمتر از یک کیلومتر از محدوده شهر) در حریم شهر مشهد و از سال ۸۸ به‌عنوان ناحیه ۴ از منطقه ۶ شهرداری مشهد محسوب می‌شود؛ در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار تا سال ۱۳۸۵، به نام روستای «قلعه خیابان» زیرمجموعه دهستان میامی از بخش رضویه شهرستان مشهد شناخته می‌شده است. جمعیت آن در سال ۱۳۹۰، ۴۱۶۶۱ نفر (مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان مشهد) بوده است.

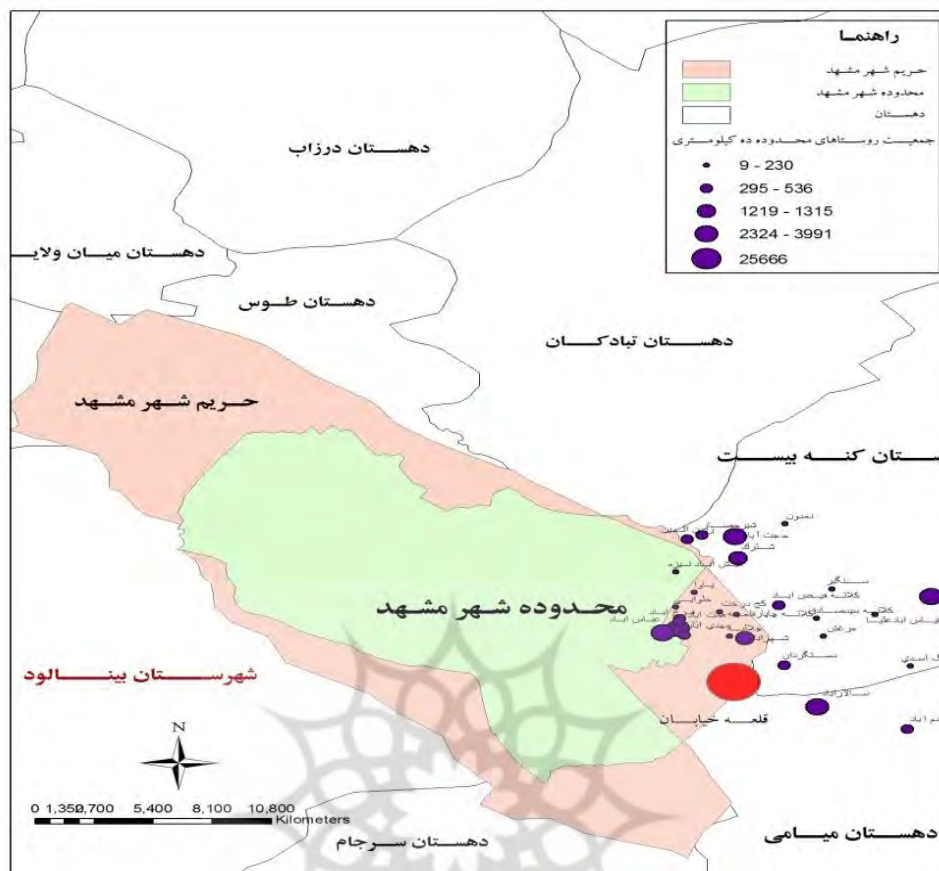
این منطقه با تراکم نسبی ۲۷۴ نفر در هکتار در حاشیه شهر واقع شده و معضلات خاص مناطق حاشیه از جمله، بافت کالبدی نسبتاً مغشوش، عرض کم و آسفالته نبودن معابر فرعی و مشکلات بهداشتی در محلات؛ خلأ فضای سبز، مراکز ورزشی و تفریحی؛ فقر اقتصادی و فرهنگی، بیکاری و درصد بالای اشتغال کاذب؛ اعتیاد، بزه و ناهنجاری‌های اجتماعی و... در آن بسیار مشهود است؛ بافت قومی آن عمدتاً متشکل از اقوام فارس، بلوچ و افغان بوده و به لحاظ مذهبی، از دو قشر شیعه و اهل سنت برخوردار است.

هم شکستن ضوابط تکامل شهری و گذران مراحل طبیعی آن به ناهنجاری‌های شهری تبدیل شده‌اند که نه شهر به شمار می‌آیند و نه خصوصیات اصیل روستایی را دارا می‌باشند.

شهبازی همت (۱۳۷۷) در تحقیقی توصیفی-تحلیلی باهدف بررسی تحولات به وجود آمده در دهستان کهریزک، نتیجه می‌گیرد: کلان‌شهر تهران سبب تحولات در تمامی جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقاط پیرامون خود گردیده و با جذب جمعیت مهاجر از تمامی نقاط کشور باعث رشد و گسترش روستاها، روستاشهرها و شهرک‌های اقماری در منطقه تحت نفوذ خود و بروز مشکلات و ناهنجاری‌ها در شهر تهران و سکونتگاه‌های پیرامون شده است.

سعیدی و سلطانی (۱۳۸۳)، در تحقیقی پیمایشی در روستای حصار، واقع در ۱۵ کیلومتری شهر مشهد، سرمایه‌گذاری شهری را مهم‌ترین عامل تحولات کالبدی روستا دانسته و افزایش قابلیت‌های جذب گردشگر را از نتایج آن ذکر می‌کنند. این عوامل منجر به دگرگونی‌های اجتماعی-اقتصادی از قبیل افزایش جمعیت و مهاجرپذیری روستا، تغییر در بافت جمعیتی، گرایش به شیوه زندگی شهری و تحولات در ترکیب شغلی و دگرگونی‌های کالبدی گردید. شایان و هادیزاده (۱۳۹۰) در پژوهشی اسنادی نتیجه می‌گیرند، شهر مشهد در پیوند با حوزه‌های روستایی اطراف خود دچار نابسامانی بوده و مناطق حریم شهر و روستاهای اطراف آن با مشکلات و معضلات پیچیده مواجه می‌باشند. مهم‌ترین عامل این نابسامانی در فقدان جایگاه قانونی و نبود مدیریت واحد و متولی مشخص می‌باشد.

همچنین دیناری (۱۳۸۱) روند ادغام روستاهای پیرامون شهر مشهد را با توجه به رشد فیزیکی آن، سیدی (۱۳۸۴) مشکلات مکانی- فضایی مراکز جمعیتی (روستا-شهر) حاشیه شهر مشهد و کلالی (۱۳۸۴) تغییرات کاربری اراضی حاشیه شهر مشهد و تأثیر آن بر مناطق روستایی اطراف را، مورد مطالعه و پژوهش قرار داده‌اند. در مجموع مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که اغلب کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، رشد و انتقال جمعیت و فعالیت‌ها از درون شهر به مناطق اطراف و حومه و به تبع آن گسترش و خزش شهرها به سمت روستاهای پیرامونی را تجربه نموده‌اند؛ در کشورهای توسعه‌یافته، وجود زیربنای اقتصادی و اجتماعی، امکانات تفریحی و فراغتی و محیط آرام روستاهای پیرامونی مهم‌ترین عوامل جذب



شکل ۲- موقعیت قلعه خیابان نسبت به مشهد و روستاهای پیرامون.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۲.۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر که از نوع تحقیقات کاربردی محسوب می‌شود، به روش توصیفی-تحلیلی به تبیین مسائل مطرح شده در پژوهش می‌پردازد. گردآوری اطلاعات موردنیاز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی صورت گرفته است. جهت پردازش و حصول به نتیجه از اطلاعات گردآوری شده، از روش‌های آماری کمی و توصیفی بهره‌گیری می‌شود. همچنین از نرم‌افزارهای آماری Excel و Spss جهت انجام تحلیل‌های آماری استفاده شده است.

جامعه آماری تحقیق در سال ۱۳۹۰، شامل ۴۱۶۶۱ نفر جمعیت، در قالب ۱۱۰۹۲ خانوار ساکن در شهرک می‌باشد (مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان مشهد). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۰) ۲۴۵ خانوار به دست آمد. جهت تکمیل پرسشنامه و انتخاب خانوارها، با توجه به بافت شهرک، از تقسیم‌بندی کالبدی محلات (۵ محله) و معابر فرعی شماره‌گذاری شده، استفاده شد. در هر محله با توجه به معابر فرعی و برآورد تقریبی تعداد منازل، عدد فاصله برای انتخاب واحد مسکونی تعیین و

در سال ۱۳۹۰ نسبت جنسی ۱۰۳ و ساختار سنی جمعیت در گروه‌های عمده ۰-۱۴ سال، ۱۵-۶۴ سال و بالای ۶۵ سال، به ترتیب ۲۹/۳، ۶۵/۳ و ۵/۴ درصد بوده است. مطالعه الگوی توزیع سنی، مبین بالا بودن درصد جمعیت در سنین کار و فعالیت است؛ درحالی‌که اندازه میزان جوانی، میان‌سالی و کهن‌سالی در جمعیت مشهد، به ترتیب، ۴۹/۲، ۳۷/۶ و ۱۳/۲ درصد می‌باشد (مطالعات میدانی). بر پایه نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، در این محدوده، افراد ۱۰ ساله و بیشتر ۷۷/۶٪ از کل جمعیت، نسبت نیروی فعال به جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۳۸/۳٪ و نسبت نیروی شاغل به جمعیت فعال اقتصادی ۹۱/۶٪ بوده که اشتغال به کارگری و مشاغل کاذب می‌تواند دلیل اصلی بالا بودن آمار مربوط به نرخ اشتغال باشد. در حال حاضر بخش‌های کشاورزی ۱۴/۹٪، صنعت ۳۱/۳٪ و خدمات ۵۳/۷٪ از شاغلین را به خود اختصاص داده‌اند. ۵۰٪ شاغلین در شهر مشهد، ۴۰/۴٪ در قلعه خیابان، ۶/۹٪ در روستاهای اطراف و ۲/۷٪ در سایر نقاط، مشغول به کار می‌باشند (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲).

شد. تحلیل عاملی، یک فن آماری است که بین مجموعه‌ای از شاخص‌های به‌ظاهر غیر مرتبط، رابطه خاصی تحت یک الگوی فرضی برقرار می‌کند و سعی دارد الگوی همبستگی موجود در توزیع یک بردار تصادفی را برحسب کمترین تعداد متغیرهای تصادفی به نام عامل‌ها، توجیه کند. درعین‌حال خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می‌گیرد که نتیجه خلاصه شده از نظر مفهوم معنی‌دار است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵، ص. ۲۳۱). هدف از به‌کارگیری این روش، به دست آوردن وزن یا درجه اهمیت هر شاخص به‌صورت کمی و نیز استخراج شاخص‌های ترکیبی غیرهمبسته (عامل‌ها) است؛ به عبارت دیگر، هدف آن، کشف ساده‌ترین الگو از میان الگوهای مربوط به روابط میان متغیرها است؛ و به دنبال این مطلب است که آیا متغیرهای مشاهده شده را می‌توان بر پایه تعداد کمتری متغیر (عامل) به گونه وسیع و اساسی تبیین کرد (پورطاهری، ۱۳۸۹، ص. ۵۲).

۳.۲. متغیرها و شاخص‌های تحقیق

بر پایه مطالعات اکتشافی و شناخت کلی از محدوده تحقیق، عوامل مؤثر در انتخاب شهرک باهنر و تداوم سکونت در آن، از دیدگاه جامعه آماری، به‌عنوان شاخص‌های تحقیق مشخص شده‌اند (جدول ۲).

پس از انتخاب به روش تصادفی سیستماتیک، پرسشنامه‌ها توسط سرپرستان خانوارهای نمونه تکمیل گردید؛ اما با توجه به مسئله تحقیق، اطلاعات به دست آمده از خانوارهای مهاجر موردنیاز بوده است، بنابراین از میان پرسشنامه‌های تکمیل شده، موارد مربوط به ساکنین غیربومی (۱۴۹ سرپرست خانوار که متولد قلعه خیابان نبودند) مورد آزمون قرار گرفت.

جدول ۱- وضعیت خانوارهای نمونه بر اساس محل تولد

سرپرست

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

وضعیت خانوار	فراوانی مطلق	فراوانی درصدی
بومی	۹۶	۳۹،۱
غیربومی	۱۴۹	۶۰،۹
جمع	۲۴۵	۱۰۰

میانگین سن سرپرستان غیربومی ۵۱/۳ سال (بومی ۳۹/۹ سال) می‌باشد؛ که ۲۷/۶٪ از آن‌ها متولد شهرستان مشهد، ۴۳/۲٪ سایر شهرستان‌های خراسان رضوی، ۸/۳٪ استان سیستان و بلوچستان، ۷/۳٪ افغانستان، ۴/۳٪ خراسان جنوبی و بقیه از سایر استان‌های کشور بوده‌اند.

با توجه به شاخص‌های انتخاب شده برای پاسخگویی به پرسش تحقیق، روش تحلیل عاملی جهت پردازش اطلاعات به کار گرفته

جدول ۲- شاخص‌های تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

ردیف	متغیر	ردیف	متغیر
۱	وجود فرصت‌های شغلی متنوع در قلعه خیابان	۱۵	بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی قلعه خیابان (پس از الحاق به مشهد)
۲	پایین تر بودن هزینه‌های زندگی نسبت به مشهد	۱۶	وجود فرصت شغلی در اطراف قلعه خیابان (مزرعه آستان قدس، نیروگاه و ...)
۳	موقعیت نسبی قلعه خیابان	۱۷	تفاوت زیاد قیمت زمین و مسکن نسبت به مشهد
۴	حمل‌ونقل مناسب و دسترسی آسان به مشهد	۱۸	مهاجرت اقوام و آشنایان و تبعیت از آنان
۵	کاهش هزینه رفت‌وآمدها	۱۹	وجود مسجد جامع اهل تسنن
۶	فاصله کم محل کار و محل سکونت	۲۰	شباهت خصوصیات اجتماعی و فرهنگی با ساکنین قلعه خیابان
۷	وجود فرصت‌های شغلی به‌واسطه نزدیکی به مشهد	۲۱	دسترسی آسان به امکانات بهداشتی
۸	قیمت پایین مسکن	۲۲	وجود خدمات رفاهی و زیرساخت‌های شهری
۹	قیمت پایین زمین	۲۳	دسترسی آسان به امکانات آموزشی
۱۰	اجاره بهاء پایین مسکن	۲۴	عدم احساس محرومیت زیاد نسبت به ساکنین مشهد
۱۱	سهولت استفاده از امکانات مشهد به‌واسطه نزدیکی	۲۵	اخذ هویت شهری
۱۲	راحتی ساخت‌وساز در قلعه خیابان نسبت به مشهد	۲۶	ایجاد رضایت از شغل
۱۳	دسترسی به بازار کلان‌شهر	۲۷	ایجاد رضایت از زندگی
۱۴	امنیت اجتماعی		

۳. مبانی نظری تحقیق

از آنجاکه تحولات اقتصادی^۵ اجتماعی ایران طی چند دهه گذشته به‌طور عمده در شهرها انعکاس یافته و سیاست‌های توسعه ملی بر محور شهرنشینی و شهرگرایی تداوم‌یافته است؛ بنابراین گرایش به توسعه شهرنشینی یکی از استراتژی‌های مؤثر در توسعه ملی بوده است (پیلهور و پورا احمد، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۶)؛ اما اتخاذ چنین سیاست‌هایی، مهاجرت‌های روستا-شهری به امید بهره‌مندی از سطح مطلوب‌تری از خدمات و امکانات را در پی داشته و از طرفی تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در شهرهای بزرگ و بی‌توجهی به ساماندهی سلسله‌مراتب سکونتگاهی و عدم تجهیز و برنامه‌ریزی‌های کارآمد شهرهای کوچک و روستاها در عمق مناطق روستایی، روند مهاجرت به مادرشهرها را تشدید کرده و مهاجرین روستایی که عمدتاً اقشار ضعیف جامعه را تشکیل می‌دهند به دلیل عدم توانایی در تأمین مسکن و هزینه‌های زندگی در محدوده خدماتی شهرها، امکان جذب در بافت شهری را نداشته و در روستاها و مراکز جمعیتی حاشیه شهر سکنی گزیده و گسترش دامنه حاشیه‌نشینی را باعث می‌شوند؛ که این روند با اصطلاحات «حاشیه‌نشینی شهری»^۶ و «روستانشینی شهری»^۷ بیان شده (افراخته، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۵) و در تمام کشورهای درحال توسعه قابل مشاهده است. بسیاری از این مهاجران تعلق فضایی کاملاً مشخصی نداشته، در هر دو عرصه روستایی و شهری زندگی و فعالیت می‌کنند (سعیدی، ۱۳۹۰، ص. ۷۵) برخی عوامل مؤثر در روستانشینی شهری یا «شهرگرایی روستایی»^۸ را می‌توان، بحران شهرها و بالا بودن هزینه‌های زندگی و مسکن، قدرت جاذبه روستاهای پیرامون شهر، نقش وسایل حمل‌ونقل و نوع رابطه شهر با روستاهای پیرامون دانست (افراخته، ۱۳۸۷، صص. ۱۵۹-۱۵۸).

شهرگرایی باعث دگرگونی در روند تحولات جمعیتی روستاها می‌شود. طبق مدل شهرگرایی لوئیس و موند، سه مرحله جمعیت‌زدایی^۹، تعادل جمعیت^{۱۱} و جمعیت‌پذیری^{۱۲} در این تحولات قابل بررسی است؛ چنانچه ورود نواحی روستایی از مرحله اول به مرحله دوم و سوم، معمولاً از طریق شهرگرایی و گسترش کارکردهای خوابگاهی، تفریحی و صنعتی در نواحی روستایی تحقق می‌یابد (رضوانی، ۱۳۸۱، ص. ۸۶) روستاهای واقع در حریم شهرها به دلیل نزدیکی مکانی و وابستگی فضایی-کالبدی با شهر، از امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برخوردار می‌باشند که در دیگر روستاهای کشور به چنین شدتی وجود ندارد. بهره‌مندی از شبکه ارتباطی مناسب، استفاده از زیرساخت‌ها و خدمات شهری

به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی و فرصت‌های شغلی در شهر، برای اینگونه از روستاها امکان پذیر می‌باشد (صرافی، ۱۳۷۷، ص. ۲۱)

روستاهای پیرامونی بر اساس ویژگی‌های درونی و عوامل بیرونی مؤثر بر آن‌ها و نیز امکانات، محدودیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های بالقوه و بالفعل خود، عرصه تغییر و تحولات مختلف جمعیتی، اقتصادی-اجتماعی و کالبدی می‌باشند؛ بررسی این تحولات، بسته به شرایط مکانی و زمانی آن‌ها، در قالب نظریه‌های مرکز-پیرامون، قطب رشد^{۱۳} (پاپلی یزدی و رجبی، ۱۳۸۲، صص. ۲۰۹-۲۰۴)، سرمایه‌داری بهره‌وری (اهلرس، ۱۳۸۰، ص. ۲۲۱) دولت و شهرنشینی (رهنمایی، ۱۳۸۸)، معکوس قطبی شدن^{۱۴} (قادرمزی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸) راهبرد شبکه منطقه‌ای^{۱۵} (سعیدی، ۱۳۸۷، ص. ۵۰۳) و نظریات مشابه دیگر امکان‌پذیر است.

با افزایش جمعیت در شهر که پدیده حومه‌نشینی را به دنبال دارد، خزش شهری نیز شروع خواهد شد. «خزش شهری»^{۱۶} یا «گسترش بی‌رویه شهر» (سیف‌الدینی، ۱۳۸۹) در واقع پراکندگی و گسترش نامنظم اجزای شهر در پیرامون آن است که ویژگی‌های آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. پراکنش کنترل نشده رشد شهر بر روی زمین‌های روستایی؛
۲. تراکم جمعیتی نسبتاً پایین؛
۳. تغییر کاربری زود هنگام زمین‌های کشاورزی و روستایی؛
۴. گسترش بی‌رویه شهر به پیرامون؛
۵. پراکنش شهر در امتداد جاده‌های منتهی به مادرشهر؛
۶. گسترش‌های اتفاقی، بدون برنامه و نامنظم؛ و
۷. (در بیشتر موارد) به هم پیوستن سکونتگاه‌های سابقاً مجزا از هم (ضیاءتوانا و قادرمزی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۱).

طی پدیده خزش شهری که به معنای رشد سریع و پراکنده نواحی متروپل و حتی شهرهای کوچک است، شهر با فشار در درون نواحی روستایی رشد کرده و سکونتگاه‌های روستایی جمعیت‌پذیر، در درون شهرها قرار می‌گیرند (کریگر^{۱۷}، ۱۹۹۹، ص. ۱۵)؛ به عبارتی گسترش فیزیکی شهر از یک‌سو و جذب جمعیت مهاجر به روستاهای حاشیه شهر و توسعه فیزیکی آن‌ها به‌سوی شهر به‌مرور سبب ادغام روستاهای مذکور در شهر می‌شود. پیامدهای این فرایند با استفاده از نظریات ساخت قطاعی و ساخت چندهسته‌ای شهر (شکویی، ۱۳۷۹، صص. ۵۱۲-۵۲۰) قابل تبیین می‌باشد.

واقعیت این است که خزش شهری همواره با تغییر کاربری اراضی پیرامون شهر همراه است؛ زیرا ساکنان شهرهای بزرگ در مناطق

زیرساخت جوامع پیرامونی، ازدحام ترافیک و زمان‌های رفت و برگشت و تغییرات در کیفیت زندگی و از همه مهم‌تر عاملی برای از بین بردن آرامش و امنیت محیط‌های روستایی است. نتیجه این که «توسعه خزنده کلان‌شهرها محیط‌های دارای قابلیت در استقرارهای روستایی را از بین برده و شبکه‌های بزرگراهی نیز به‌طور فزاینده‌ای گسترش یافته و تخریب محیط‌زیست و اکوسیستم ناحیه‌ای را در پی خواهد داشت (لیبرتی^{۱۹}، ۱۹۹۸، صص. ۸-۷).

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق نشان می‌دهد، در نتیجه توسعه پیوسته شهر مشهد طی ۵۰ سال اخیر (دهه‌های ۸۵-۱۳۳۵)، تعداد ۹۰ آبادی با ۱۹۲۰۹۸ نفر جمعیت در شهر مشهد ادغام گردیده است. طی این فرایند ۷/۶ درصد از افزایش جمعیت شهر مشهد در ۵۰ سال اخیر به دلیل مستحیل شدن آبادی‌های پیرامون در این شهر می‌باشد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در دهه ۶۵-۱۳۵۵ به‌واسطه تغییر و تحولات ناشی از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در کشور با گسترش کالبدی شدید شهر مشهد و مستحیل شدن ۳۱ آبادی روبه‌رو هستیم که ۳/۲۶٪ افزایش جمعیت شهر مشهد را تشکیل می‌دهد. در دهه ۸۵-۱۳۷۵، ۱۴ نقطه سکونتگاهی با جمعیت ۱۱۵۶۸۱ نفر در شهر مشهد ادغام گردید. این نقاط شامل نواحی روستایی پرتوان مجاور شهر مشهد می‌باشند که به‌واسطه فاصله کم با شهر مشهد نقش سکوی پرتاب به مادرشهر مشهد را ایفا می‌کرده‌اند (احمدیان و قاسمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۱).

مادرشهری بزرگ‌تر از محدوده موجود شهر پراکنده می‌شوند. این پراکنش جمعیتی نیز معمولاً منجر به شکل‌گیری سکونتگاه‌های خودرو در حاشیه شهرهای اصلی و مخصوصاً به‌صورت بزرگ‌تر شدن و تورم روستاهای پیرامونی می‌شود. در واقع این سکونتگاه‌های خودرو و روستاهای پیراشهری به علت تقبل بخشی از کارکردهای شهری و به‌ویژه مسکونی، بخشی از شهر به شمار می‌آیند که فقط به لحاظ کالبدی از شهر مجزا هستند (ضیاءتوانا و قادرمزی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۴) بنابراین هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون این‌گونه مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض گسترش کالبدی شهر قرار گرفته و با چالشی دوسویه روبرو می‌باشد:

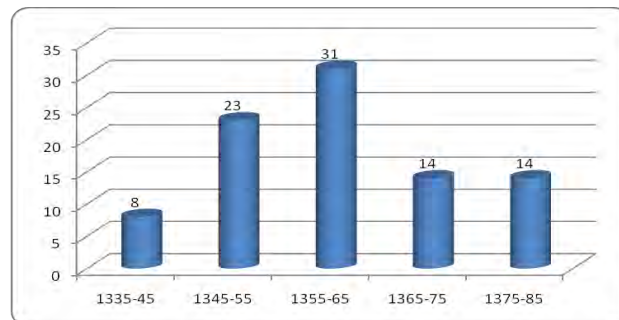
۱- به دلیل گسترش و پیشروی کالبد شهر، روستای پیرامونی در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و کالبد شهر قرار دارد.
۲- متأثر از تحولات اقتصادی، اجتماعی و نیروهای بیرونی، کالبد درونی روستا در معرض فروپاشی و ازهم‌گسیختگی ساختاری-کارکردی قرار گرفته است (صرافی، ۱۳۷۷، ص. ۲۳).
گسترش فیزیکی شهرها و روستاها به‌سوی یکدیگر سبب ادغام و الحاق سکونتگاه کوچک‌تر (روستا) در سکونتگاه بزرگ‌تر (شهر) می‌شود. «ادغام» یا «الحاق شهری^{۱۸}»، بنا بر تعریف، هنگامی پدیدار می‌گردد که مرزهای یک حوزه شهری معین به عرصه‌های پیرامونی گسترش می‌یابد و اجزای فضائی پیرامونی را به خود ملحق می‌سازد (سعیدی، حسینی، ۱۳۸۶، ص. ۸).

رشد ناموزون حومه‌های کلان‌شهر با هزینه‌های پنهانی همراه است. علاوه بر هزینه‌های زیرساختی، اثرات دیگر ناموزونی توسعه کلان‌شهر در نواحی پیرامونی، تغییر در ارزش‌داری‌ها، تغییرات در

جدول ۳- سهم آبادی‌های ادغام‌شده در افزایش جمعیت شهر مشهد (۸۵-۱۳۳۵)

مأخذ: احمدیان و قاسمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۱

سال	جمعیت در پایان دوره	جمعیت روستاهای ادغام‌شده	درصد جمعیت ادغام‌شده	تعداد روستای مستحیل	درصد روستای مستحیل
۱۳۳۵-۴۵	۴۰۹۰۰۰	۸۰۳۶	۴،۱۸	۸	۸،۹
۱۳۴۵-۵۵	۶۶۷۷۷۷	۱۰۴۶۴	۵،۴۵	۲۳	۲۵،۶
۱۳۵۵-۶۵	۱۴۶۳۵۰۸	۴۷۸۱۵	۲۴،۸۹	۳۱	۳۴،۴
۱۳۶۵-۷۵	۱۸۸۶۰۰۰	۱۰۱۰۲	۵،۲۶	۱۴	۱۵،۶
۱۳۷۵-۸۵	۲۴۲۷۳۱۶	۱۱۵۶۸۱	۶۰،۲۲	۱۴	۱۵،۶
جمع	-	۱۹۲۰۹۸	۱۰۰	۹۰	۱۰۰



شکل ۳- تعداد آبدی‌های ادغام‌شده در شهر مشهد طی ۵۰ سال (۱۳۳۵-۱۳۸۵)

مأخذ: احمدیان و قاسمی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۱

می‌شوند کاهش یابد. این روش تحلیل عاملی روش تجزیه مؤلفه‌ها اصلی نامیده می‌شود و هدف از انجام آن رفع مشکل وابستگی درونی مجموعه‌ای از متغیرها و تلخیص آن‌ها در چند مؤلفه یا عامل است (شریفی و خالدی، ۱۳۸۸، ص. ۲۰۲).

شاخص kmo مندرج در جدول زیر نشان می‌دهد که نسبت تعداد متغیرها به حجم نمونه برای اجرای آزمون تحلیل عاملی مناسب است ($Kmo=0.762$). نتایج آزمون بارتلت حاکی از تناسب ساختار همبستگی‌های ساده تفکیکی بین متغیرهای مورد بررسی (فقدان رابطه هم خطی بین آن‌ها) است ($sig.=0.00$).

جدول ۴- نتایج آماره KMO و آزمون بارتلت در مورد درجه

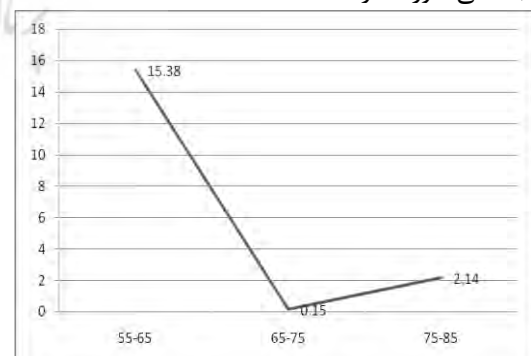
اعتبار و سطح معناداری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		Bartlett's Test of Sphericity
.762	Approx. Chi-Square	
1858.546	df	
406	Sig.	
.000		

جدول ۵ مقدار ویژه و درصد واریانس و درصد واریانس تراکمی متناظر با عامل‌ها را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در تحلیل عاملی، ۸ عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از ۱ هستند. با توجه به درصد تجمعی بلوک اول مشاهده می‌شود که عوامل اول تا هشتم روی هم‌رفته ۸۹٫۶۸ درصد تغییرات را شامل می‌شوند. در بلوک دوم بلوک مجموع ضرایب عامل دوران نیافته، واریانس تبیین شده عامل‌هایی ارائه شده است که مقادیر ویژه آن‌ها بزرگ‌تر از عدد یک می‌باشد. بلوک سوم نیز به عامل دوران مربوط می‌شود. این بلوک، بلوک مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج‌شده بعد از چرخش را نشان می‌دهد. چنانکه مشاهده می‌شود هشت عامل قابلیت تبیین واریانس‌ها را دارند؛ که عامل‌های به‌دست‌آمده با روش Varimax چرخش داده شد، عامل‌های اول تا هشتم در مجموع ۸۹٫۶۸ درصد واریانس را در بردارند.

لازم به ذکر است روستای قلعه خیابان در سال ۱۳۸۸ به شهر مشهد ملحق و در حال حاضر ناحیه ۴ منطقه ۶ شهرداری مشهد محسوب می‌شود. بر پایه آمار جمعیتی ارائه‌شده، متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت قلعه خیابان در دوره ۵۵ تا ۸۵ برابر با ۵/۶۸ درصد می‌باشد؛ در حالی که در همین مدت نرخ رشد شهر مشهد ۴/۴ درصد بوده است. نرخ رشد جمعیت قلعه خیابان، در مقاطع مختلف از ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵ در شکل ۴، نمایش داده شده است؛ که نمایانگر متوسط رشد سالانه ۱۵/۳۸ درصدی در دهه ۵۵-۶۵ می‌باشد که می‌توان آن را بیشتر به مهاجرت‌های گسترده روستا-شهری در آن زمان مرتبط دانست. کاهش شدید نرخ رشد به ۱۵/۱۵٪ در دهه ۶۵-۷۵ می‌تواند با سیاست‌های کنترل جمعیت در کشور و از طرفی جابه‌جایی گروهی از بومیان قلعه خیابان (که توان مالی بهتری داشتند) به شهر مشهد و شهرک رضویه (مرکز بخش رضویه، در ۳ کیلومتری شرق قلعه خیابان) قابل توجیه باشد؛ این مهاجرت‌ها، به‌طور عمده، به دلیل محرومیت منطقه و رواج ناهنجاری‌های اجتماعی صورت گرفته است.



شکل ۴- تغییرات نرخ رشد جمعیت قلعه خیابان طی دوره ۵۵-۸۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

در تحقیق حاضر دلایل مهاجرپذیری شهرک شهید باهنر در ۲۷ متغیر مورد بررسی قرار گرفت. در این بررسی به دنبال این امر هستیم که متغیرهای تحقیق به تعداد کمتری متغیر که عامل نامیده

جدول ۵- عامل‌های استخراج‌شده، مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس آن‌ها از مجموعه شاخص‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

عوامل	مقادیر ویژه اولیه			مجموع محذورات با عاملی قبل از دوران			مجموع محذورات بار عاملی بعد از دوران		
	جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس	جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس	جمع کل	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
۱	۶,۰۶۱	۲۱,۶۴۶	۲۱,۶۴۶	۶,۰۶۱	۲۱,۶۴۶	۲۱,۶۴۶	۴,۳۵۴	۱۵,۵۶۱	۱۵,۵۶۱
۲	۵,۲۳۴	۱۸,۶۹۴	۴۰,۳۴۰	۵,۲۳۴	۱۸,۶۹۴	۴۰,۳۴۰	۳,۸۴۰	۱۳,۷۱۵	۲۹,۲۷۶
۳	۳,۹۸۵	۱۴,۲۳۲	۵۴,۵۷۲	۳,۹۸۵	۱۴,۲۳۲	۵۴,۵۷۲	۳,۷۹۱	۱۳,۵۳۹	۴۲,۸۱۵
۴	۲,۸۹۸	۱۰,۳۴۸	۶۴,۹۲۱	۲,۸۹۸	۱۰,۳۴۸	۶۴,۹۲۱	۳,۴۸۴	۱۲,۴۴۴	۵۵,۲۵۹
۵	۲,۶۶۶	۹,۵۲۱	۷۴,۴۴۱	۲,۶۶۶	۹,۵۲۱	۷۴,۴۴۱	۳,۰۲۸	۱۰,۸۱۵	۶۶,۰۷۴
۶	۱,۷۶۳	۶,۲۹۸	۸۰,۷۳۹	۱,۷۶۳	۶,۲۹۸	۸۰,۷۳۹	۲,۴۵۴	۸,۷۶۴	۷۴,۸۳۸
۷	۱,۳۳۰	۴,۷۵۱	۸۵,۴۹۰	۱,۳۳۰	۴,۷۵۱	۸۵,۴۹۰	۲,۳۰۸	۸,۲۴۲	۸۳,۰۸۰
۸	۱,۱۷۵	۴,۱۹۷	۸۹,۶۸۷	۱,۱۷۵	۴,۱۹۷	۸۹,۶۸۷	۱,۸۵۰	۶,۶۰۷	۸۹,۶۸۷

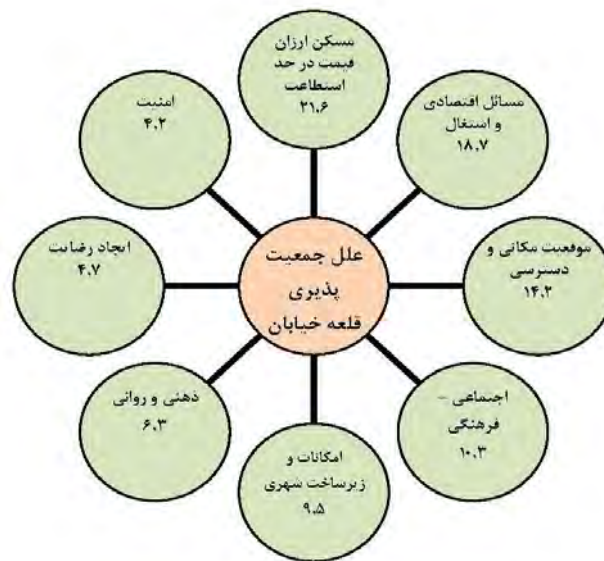
Extraction Method: Principal Component Analysis.

متغیرهای بارگذاری شده در عامل‌های هشت‌گانه این تحقیق را می‌توان به شرح ذیل تحلیل و نام‌گذاری نمود.

جدول ۶- متغیرهای بارگذاری شده در عوامل هشت‌گانه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

شماره عامل / نام عامل / مقدار ویژه / درصد واریانس تبیین شده	همبستگی	متغیر	R
عامل اول: مسکن ارزان‌قیمت در حد استطاعت مقدار ویژه ۶,۰۶۱ درصد واریانس ۲۱,۶۴۶	۰,۹۱۱	قیمت پائین مسکن	۱
	۰,۹۱۰	قیمت پائین زمین	۲
	۰,۷۹۳	اجاره بهاء پائین مسکن	۳
	۰,۶۹۱	راحتی ساخت‌وساز در قلعه خیابان نسبت به مشهد	۴
	۰,۶۲۰	تفاوت زیاد قیمت زمین و مسکن نسبت به مشهد	۵
عامل دوم: مسائل اقتصادی و اشتغال مقدار ویژه ۵,۲۳۴ درصد واریانس ۱۸,۶۹۴	۰,۹۵۰	وجود فرصت‌های شغلی به‌واسطه نزدیکی به مشهد	۶
	۰,۹۳۳	وجود فرصت‌های شغلی متنوع در قلعه خیابان	۷
	۰,۸۲۰	وجود فرصت شغلی در اطراف قلعه خیابان (مزرعه آستان قدس، نیروگاه و ...)	۸
	۰,۵۵۸	پایین‌تر بودن هزینه‌های زندگی نسبت به مشهد	۹
عامل سوم: موقعیت مکانی و دسترسی مقدار ویژه ۳,۹۸۵ درصد واریانس ۱۴,۲۳۲	۰,۸۹۵	موقعیت نسبی قلعه خیابان	۱۰
	۰,۸۶۱	حمل‌ونقل مناسب و دسترسی آسان به مشهد	۱۱
	۰,۷۰۸	فاصله کم محل کار و محل سکونت	۱۲
	۰,۶۹۱	دسترسی به بازار کلان‌شهر	۱۳
	۰,۶۰۰	کاهش هزینه رفت‌وآمدها	۱۴
عامل چهارم: اجتماعی - فرهنگی مقدار ویژه ۲,۸۹۸ درصد واریانس ۱۰,۳۴۸	۰,۴۹۶	سهولت استفاده از امکانات مشهد به‌واسطه نزدیکی	۱۵
	۰,۹۲۶	شباهت خصوصیات اجتماعی و فرهنگی با ساکنین قلعه خیابان	۱۶
	۰,۸۶۷	مهاجرت اقوام و آشنایان و تبعیت از آنان	۱۷
عامل پنجم: امکانات و زیرساخت‌های شهری مقدار ویژه ۲,۶۶۶ درصد واریانس ۹,۵۲۱	۰,۸۰۲	وجود مسجد جامع اهل تسنن	۱۸
	۰,۴۹۶	بهبود وضعیت اجتماعی و فرهنگی قلعه خیابان (پس از الحاق به مشهد)	۱۹
	۰,۷۳۶	دسترسی آسان به امکانات بهداشتی	۲۰
	۰,۷۱۲	وجود خدمات رفاهی و زیرساخت‌های شهری	۲۱
عامل ششم: ذهنی و روانی مقدار ویژه ۱,۷۶۳ درصد واریانس ۶,۲۹۸	۰,۵۶۹	دسترسی آسان به امکانات آموزشی	۲۲
	۰,۷۳۹	عدم احساس محرومیت زیاد نسبت به ساکنین مشهد	۲۳
عامل هفتم: ایجاد رضایتمندی، مقدار ویژه ۱,۳۳۰ درصد واریانس ۴,۷۵۱	۰,۶۶۱	اخذ هویت شهری	۲۴
	۰,۸۵۲	ایجاد رضایت از شغل	۲۵
عامل هشتم: امنیت مقدار ویژه ۱,۱۷۵ درصد واریانس ۴,۱۹۷	۰,۶۱۸	ایجاد رضایت از زندگی	۲۶
	۰,۸۸۷	امنیت اجتماعی	۲۷



شکل ۵- علل جمعیت‌پذیری قلعه خیابان مشهد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

عامل سوم موقعیت مکانی و دسترسی است، با توجه به موقعیت نسبی قلعه خیابان، حمل‌ونقل مناسب و دسترسی آسان به مشهد، فاصله کم محل کار و محل سکونت و ... قابلیت‌های زیادی برای این شهرک ایجاد شده و به‌عنوان سومین عامل شناسایی شده در جمعیت‌پذیری شهرک مؤثر است. وضعیت حمل‌ونقل و دسترسی به مشهد به‌واسطه فاصله کم و قرارگیری قلعه خیابان در مسیر جاده اصلی مشهد- سرخس و علاوه بر آن سرویس‌دهی ناوگان حمل‌ونقل عمومی شهر مشهد به این منطقه، شرایط نسبتاً مناسبی دارد.

عامل چهارم اجتماعی^۵ فرهنگی است، خصوصیات اجتماعی- فرهنگی و قومی ساکنین قلعه خیابان، سهم قابل توجهی در جذب جمعیت و رشد آن طی سال‌های گذشته داشته؛ به‌طوری‌که این منطقه پذیرای گروه‌های مهاجرین به‌خصوص از استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و مهاجرین افغانی بوده است؛ در نتیجه، این بافت قومی- فرهنگی تأثیر بسزایی در تصمیم مهاجرین بعدی در انتخاب این محل برای سکونت داشته و این شاخص اجتماعی را در رتبه اول قرار داده است. باوجود این که اهل تسنن ۱۶/۷٪ جامعه نمونه را تشکیل می‌دهند، اما تقریباً اولین دلیل آن‌ها برای سکونت در قلعه خیابان، وجود مسجد جامع^۶ و برگزاری نماز جمعه و جماعت در آن است.

روستاهای حریم شهرها با حضور دستگاه‌های متعدد و متولی روستایی و حتی شهری و نبود مدیریت هماهنگ و یکپارچه به‌نوعی در شرایط بلا تکلیف بسر برده و همین امر به نابسامانی و آشفتگی کالبدی این‌گونه روستاها افزوده است؛ در محدوده‌ی مورد مطالعه نیز،

عامل اول مسکن ارزان‌قیمت در حد استطاعت است، مسکن جزو نیازهای اساسی بوده و ضروری‌ترین نیاز در تغییر مکان سکونت است. از آنجاکه قیمت زمین و اجاره بهاء مسکن در کلان‌شهر مشهد بالا است و همه‌ساله نیز روند افزایشی دارد، شرایط تأمین مسکن برای مهاجران و قشر عظیمی از ساکنان این شهر سخت گردیده و در نتیجه مهاجران، تازه‌واردان و اقشار ضعیف شهر مشهد در پی یافتن مکانی جدید برای سکونت به قلعه خیابان روی آورده تا بتوانند ضمن استفاده از بازار کار کلان‌شهر از مزایای مسکن ارزان‌قیمت نیز استفاده کنند.

عامل دوم مسائل اقتصادی و اشتغال است، شاخص‌های مربوط به اشتغال نشان می‌دهند، علاوه بر نقش خوابگاهی قلعه خیابان برای شاغلین در شهر مشهد، وجود فرصت‌های شغلی در قلعه خیابان و اطراف آن (کارگاه‌ها و واحدهای صنعتی از قبیل نیروگاه، کوره آجرپزی، مزارع و کارخانه‌های متعلق به آستان قدس و...) نیز تا حدودی در تأمین اشتغال ساکنین و در نتیجه تمایل به ماندگاری آن‌ها نقش داشته‌اند (۳۳/۸٪ شاغلین در قلعه خیابان و مزارع و واحدهای صنعتی اطراف آن، ۵/۳٪ در روستاهای پیرامون و ۲/۲٪ در سایر نقاط). عامل فرصت‌های شغلی در قلعه خیابان برای مهاجرین وارد شده در دهه‌های ۶۰، ۷۰ و اوایل ۸۰، امکان کار در مزارع قلعه خیابان (و به‌خصوص مزرعه نمونه آستان قدس رضوی) بوده و طی چند سال اخیر عمدتاً به رونق کارهای ساختمانی و خرده‌فروشی در پی الحاق آن به مشهد مربوط می‌باشد.

زمین، مسکن و اجاره‌بها از یک طرف و جلوگیری از تصرف زمین، تغییر کاربری و ساخت‌وساز غیرمجاز از طرف دیگر، مانعی برای جذب اقشار ضعیف مهاجرین باشد، اما از سوی دیگر، همانند نیروی محرکه‌ی قدرتمندی عمل کرده و در رشد و افزایش سریع و شتابان جمعیت آن‌ها اثرگذار خواهد بود؛ در این شرایط، تدبیر و برنامه‌ریزی‌های اصولی جهت کنترل و ساماندهی مهاجرپذیری ضروری می‌باشد. با عنایت به مباحث مطرح شده، موارد زیر جهت بهبود وضعیت روستاهای حریم و کاهش معضلات شهری پیشنهاد می‌شود:

- به‌کارگیری تکنیک‌های آینده‌پژوهی در مورد روستاهای حریم شهرها، به‌خصوص شناسایی مواردی که احتمال رشد شدید جمعیت را خواهند داشت و برنامه‌ریزی و سنجش علل، عواقب و نتایج امر.
- با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی در مهاجرت، برای کاهش محرومیت و ماندگاری جمعیت به‌ویژه در روستاهای شهرستان مشهد، باید تحولی در بهره‌برداری از منابع موجود و اختصاص آن به بخش‌های مختلف اقتصادی برای ایجاد جاذبه‌های شغلی صورت گیرد تا ایجاد اشتغال و درآمد جهت جمعیت در حال رشد، باعث جذب این افراد در مبدأ و کاهش انگیزه برای مهاجرت به شهر مشهد و روستاهای حریم شود.
- انجام تحقیقات کاربردی اجتماعی و جامعه‌شناسی برای روستاهای حریم که احتمال الحاق به شهر را دارند.
- کنترل رشد جمعیت در روستاهای دارای قابلیت‌های تولیدی و کشاورزی در حریم شهر، به‌منظور حفظ کارکردهای تولیدی روستا.
- مطالعه سیستمی مسئله رشد جمعیت روستاهای حریم شهرها و بررسی ابعاد و عواملی که رابطه متقابل با جذب جمعیت خواهند داشت؛ از قبیل، قوانین و اقدامات دولتی در سطح کلان، عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی محلی و منطقه‌ای و نقش نهادهای خصوصی و مراجع محلی.

یادداشت‌ها:

- 1- Bryant, Russwurm, & McLellan
- 2- Hutabarat
- 3- Antrop
- 4- Mitchell
- 5- Walford
- 6- Guimond & Simard
- 7- Priurbanisation
- 8- Rurbanisation
- 9- Rurbanism
- 10- Depopulation
- 11- Population
- 12- Repopulation
- 13- Growth Pole
- 14- Polarization Reversal

این عامل سبب تصرف زمین و ساخت‌وسازهای غیرمجاز طی سال‌های اخیر شده بود که در پی الحاق آن به مشهد و نظارت بیشتر شهرداری، سهم این عامل در جذب جمعیت کاهش یافته است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

روستاهای پیرامون شهرهای بزرگ از جمله مهم‌ترین کانون‌های استقرار جمعیت‌های مهاجر از روستاها و حتی شهرهای کوچک به شمار می‌آیند؛ این روستاها به دلیل برخورداری از امتیاز مجاورت و همزیستی با شهر، به‌ویژه از نظر فرصت‌های شغلی و بهره‌مندی از خدمات و زیرساخت‌ها، از مزیت ارزانی شرایط زندگی و به‌خصوص اجاره مسکن و یا حتی خرید زمین یا مسکن بهره‌مند بوده و طبعاً زمینه‌ساز رشد بی‌رویه جمعیت در این گونه از روستاها می‌باشد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که ارزانی زمین و مسکن و اجاره نسبت به مشهد و وجود فرصت‌های شغلی در مشهد (عوامل اقتصادی)؛ موقعیت مکانی و دسترسی، خصوصیات اجتماعی- فرهنگی و قومی ساکنین قلعه خیابان، مهم‌ترین عوامل مؤثر در جذب مهاجرین به این منطقه و رشد جمعیت می‌باشند. ساخت‌وساز در اراضی مستعد کشاورزی و کاهش ظرفیت‌های تولیدی، رواج ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی، مشکلات و معضلات بهداشتی، اقتصادی و کالبدی، گوشه‌ای از پیامدهای این رشد بوده؛ و طی دهه‌های اخیر، قلعه خیابان را از روستایی با کارکرد تولیدی و اشتغال عمده در بخش کشاورزی، به شهرکی حاشیه‌ای با کارکرد عمدتاً خوابگاهی تبدیل کرده است. نتایج تحقیق با مطالعه ضیاء توانا و قادرمزی (۱۳۸۸) که در مورد روستاهای نایسر و حسن آباد در سمنان صورت پذیرفته، همچنین دیناری (۱۳۸۱) که روند ادغام روستاهای پیرامون شهر مشهد را با توجه به رشد فیزیکی آن بررسی نموده و سیدی (۱۳۸۴) که مشکلات مکانی- فضایی مراکز جمعیتی (روستا-شهر) حاشیه شهر مشهد را مطالعه نموده و کلالی (۱۳۸۴) که روی تغییرات کاربری اراضی حاشیه شهر مشهد و تأثیر آن بر مناطق روستایی اطراف کار نموده‌اند تا حدودی مشابهت دارد.

در حالی که در سال ۱۳۹۰، از بین ۷۲ شهر استان خراسان رضوی، ۶۳ شهر، جمعیتی کمتر از قلعه خیابان داشته‌اند (استاندارد خراسان رضوی، ۱۳۹۱)؛ اما به دلایل قانونی امکان تبدیل آن به شهر مستقل وجود نداشته است. به نظر می‌رسد با الحاق آن به شهر مشهد، به‌عنوان یکی از هسته‌های جمعیتی قومی- مذهبی شهر، به رشد خود ادامه داده و بر مشکلات ناشی از افزایش جمعیت و مساحت کلان شهر مشهد می‌افزاید.

الحاق این‌گونه سکونتگاه‌ها به شهر و به دست آوردن هویت حقوقی شهری، علی‌رغم این که می‌تواند به دلیل افزایش نسبی ارزش

سال چهارم	تحلیل علل جمعیت‌پذیری روستاهای حریم...	۲۷
19- Liberty	15- Regional Network Strategy	
	16- Urban Sprawl	۲۰- از ۱۸ مسجد موجود در قلعه خیابان، ۶ مسجد متعلق به اهل تسنن می باشد.
	17- Krieger	
	18- Annexatio	

کتابنامه

۱. احمدیان، م. ع.، و قاسمی، م. (۱۳۹۲). تحلیلی بر ادغام آبادی ها در ساختار کالبدی-فضایی شهرها، نمونه موردی مشهد مقدس. مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۲(۳)، ۱۶۸-۱۴۳.
۲. افراخته، ح. (۱۳۸۷). مقدمه ای بر برنامه ریزی سکونتگاههای روستایی. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج هنر.
۳. پاپلی یزدی، م.، و رجبی سناجردی، ح. (۱۳۸۲). نظریه های شهر و پیرامون. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۴. پورطاهری، م. (۱۳۸۹). کاربرد روش های تصمیم گیری چند شاخصه در جغرافیا. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۵. پیله ور، ع.، و پوراحمد، ا. (۱۳۸۳). روند رشد و توسعه کلان شهرهای کشور مطالعه موردی: شهر مشهد. پژوهشهای جغرافیایی، ۳۶(۴۸)، ۱۰۳-۱۲۱.
۶. حافظ نیا، م. (۱۳۸۵). روش تحقیق در علوم انسانی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
۷. حکمت نیا، ح.؛ و موسوی، م. (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. چاپ اول انتشارات علم نوین یزد.
۸. سعیدی، ع. (۱۳۸۷). دانشنامه مدیریت شهری و روستایی. تهران: سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
۹. رضوانی، م. ر. (۱۳۸۱). تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران. فصلنامه پژوهشهای جغرافیایی، ۳۴(۴۳)، ۸۱-۹۴.
۱۰. رهنمایی، م. (۱۳۶۹). توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۴(۱۶)، ۵۳-۲۴.
۱۱. رهنمایی، م. (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهر و شهرنشینی در ایران). فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۴۳.
۱۲. سعیدی، ع.، و سلطانی، ر. (۱۳۸۳). نقش پیوندهای کلانشهری در تحول کالبدی-فضایی روستاهای پیرامونی (نمونه: روستای حصار در حوزه کلانشهر مشهد). فصلنامه جغرافیا، ۱۰(۳۵)، ۴۹-۳۵.
۱۳. سعیدی، ع.؛ و حسینی حاصل، ص. (۱۳۸۶). ادغام کلان شهری سکونتگاههای روستایی با نگاهی به کلانشهر تهران و پیرامون. فصلنامه جغرافیا، ۱۲(۴۳)، ۱۸-۷.
۱۴. سعیدی، ع. (۱۳۹۰). روابط و پیوندهای روستایی-شهری در ایران. چاپ اول، تهران: مهرمینو.
۱۵. سیدی، م. (۱۳۸۳). تحلیل مشکلات مکانی-فضایی مراکز جمعیتی (روستا-شهر) حاشیه شهرمشهد با تأکید بر رویکرد مدیریتی (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۱۶. سیف الدینی، ف. (۱۳۸۹). فرهنگ شهرسازی. چاپ اول، تهران: انتشارات آئیش.
۱۷. شایان، ح.؛ و هادیزاده بزاز، م. (۱۳۹۰). تحلیلی بر ضرورت ساماندهی روستاهای حریم کلانشهرها با تأکید بر کلانشهر مشهد. مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه ریزی توسعه روستایی (صص ۳۷۱-۳۵۳)، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۸. شریفی، م.؛ و خالدی، ک. (۱۳۸۸). اندازه گیری و تحلیل سطح توسعه مناطق روستایی در استان کردستان با استفاده از روش های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۷(۶۷)، ۱۷۹-۲۰۲.
۱۹. شکویی، ح. (۱۳۷۹). دیدگاههای نو در جغرافیای شهری. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات سمت.
۲۰. شهبازی همت، ح. (۱۳۷۷). بررسی و تحلیل تغییر نقش و فرم روستاهای جنوب و تبدیل آنها به شهرکها و روستاشهرهای حاشیه ای (مطالعه موردی دهستان کهریزک) (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۲۱. صرافی، م. (۱۳۷۷). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
۲۲. ضیاء توانا، م.؛ و قادرمزی، ح. (۱۳۸۸). تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری در فرایند خزش شهر، روستاهای نایسر و حسن آباد سمنجان. فصلنامه پژوهش های جغرافیایی انسانی، ۴۲(۶۸)، ۱۳۶-۱۱۹.

۲۳. طاهرخانی، م. (۱۳۸۳). مطالعه روابط متقابل شهر و روستا و نقش آن در تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی روستایی (نمونه موردی شهرستان هریس). *فصلنامه رشد آموزش جغرافیا*. ۱۹(۶۷)، ۱۲-۵.
۲۴. ظاهری، م. (۱۳۸۷). تحلیلی بر نقش روابط فضایی در تغییرات کاربری اراضی روستاهای حوزه نفوذ شهرها (مطالعه موردی: روستاهای حوزه نفوذ کلان شهر تبریز). *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲۳(۹۱)، ۹۷-۱۲۲.
۲۵. قادرمزی، ح. (۱۳۸۹). *تحولات ساختاری کارکردی روستاهای حریم شهر سنندج در فرایند گسترش فضایی شهر ۱۳۵۵-۱۳۵۵* (رساله دکتری منتشر نشده)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲۶. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵). سرشماری های عمومی نفوس و مسکن. سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۷. مرکز بهداشت شماره ۲ شهرستان مشهد. (۱۳۹۰). اطلاعات جمعیتی روستای قلعه خیابان. مشهد: واحد آمار و رایانه.
۲۸. مهدوی وفا، ح. (۱۳۸۶). *نقش تهران بر سازمان فضایی لوانسان و شریف آباد* (رساله دکتری منتشر نشده). دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲۹. هادیزاده بزاز، م. (۱۳۸۴). *حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان*. چاپ اول، مشهد: شهرداری مشهد.
۳۰. کلالی مقدم، ژ. (۱۳۸۴). *تحلیل فضائی - مکانی تغییرات کاربری اراضی حاشیه شهر مشهد و تاثیر آن بر مناطق روستائی اطراف* (رساله دکتری منتشر نشده)، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
۳۱. اهلرس، ا. (۱۳۸۰). *ایران: شهر - روستا - عشایر*. ترجمه: ع. سعیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات منشی.
32. Antrop, M. (2000). Changing patterns in the Urbanized Countryside of Western Europe, *Journal of Landscape Ecology*. 15(3), 257-270.
33. Bryant, C., Russwurm, L., and Mcllellan. (1982). *The City's Countryside: Land and its Management in the Rural - Urban Fringe*, London: Longman.
34. Guimond, L., Simard, M. (2010). Gentrification and ne-rural populations in the Québec countryside: Representations of various actors. *Journal of Rural Studies*, 26(4), 449-464.
35. Hutabarat, R. (2000). *Transportation, Land Use and Indonesia's Urban Poor*. ASPAC, Eugene, Oregon 16 June, University of California, Berkeley.
36. Krieger, D. (1999). *Saving Open Spaces: public support for farmland protection*. American Farmland Trust Center for Agriculture in the Environment, April.
37. Liberty, R. (1998). Oregon farmland protection program. the performance of state programs for farmland retention: Proceedings [of] a National Conference, September 10 & 11, 1998, Columbus, Ohio
38. Mitchell, C. J. (2004). Making sense of counterurbanization. *Journal of rural studies*, 20(1), 15-34.
39. Walford, N. (2007). Geographical and geodemographic connections between different types of small area as the origins and destinations of migrants to Mid-Wales. *Journal of Rural Studies* 23(3), 318° 331.

A Survey on Population Absorption Elements in Villages Surrounding Metropolitan Using Factor Analysis (Case Study: Qala Khiaban in Mashhad)

Maryam Sharifi Postchi *¹ - Jafar Javan² - Hamid Shayan³ - Mohammad Rahim Rahnama⁴

1- Ph.D., Candidate in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2 -Full Prof., in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3- Full Prof., in Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

4- Associate Prof., in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 11 August 2013

Accepted: 24 May 2014

Abstract

Purpose: The world is constantly changing and rural areas are not exempted from this rule. Changes in the demographic structure and population absorption of the villages surrounding large city centers, metropolises and regional cities is considered as one aspect of rural development. Given that the surrounding villages, as supplementary arenas, eventually join to the city boarders, it is essential to identify the causes of population absorption and its sustainability to control the following changes. The present study aimed to investigate the causes of population absorption in Qala Khiaban- Bahonar state surrounding Mashhad metropolis.

Methodology: This research was based on descriptive- analytical methods, and the data were collected using both documentary and field studies. The questionnaires were analyzed using SPSS software and ARC GIS was used in order to create the maps. The study considered 149 migrant households of Qala Khiaban village in view of 27 identified causes of immigration.

Findings: The results of factor analysis showed that, of combination of 27 primary variables, eight factors consisted 89.68% of the variance of population absorption reasons. Among eight identified factors, the first and most important was "cheap and affordable housing" which was about 21.24% of the variance. This shows the importance of first factor than other agents. Second and third factors were "employment and economic problems" and "location and access" with 18.6% and 14.6% of the total variance, respectively.

Research limitation: The major limitation of the study is the lack of information about core population of suburban areas.

Practical implications: As transitional communities, Villages around metropolises have more affecting and impressible roles than other factors. Therefore, identifying the causes of their vulnerability can be useful in organizing the residential areas.

Original/value: the present work is original in view of analysis on some more general motivations of migrants toward suburban settlements.

Key words: Population absorption, surrounding villages, Mashhad metropolitan, factor analysis.

How to cite this article:

Sharifi Postchi, M., Javan, J., Shayan, H. & Rahnama, M. R. (2015). A survey on population absorption elements in villages surrounding metropolitan using factor analysis (case study: Qala Khiaban in Mashhad). *Journal of Research & Rural Planning*, 4(9), 15-28.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/24940>

ISSN: 2322-2514 eISSN: 2383-2495